

## قطع کمک‌های آمریکا به اسرائیل امنیت را به خطر نمی‌اندازد

حمایت‌هایی که یک کشور از کشور دیگری انجام می‌دهد در واقع اهرمی است که کشور اول می‌تواند در برابر کشور دوم از آن استفاده کند. عدم حمایت یا حتی تهدید به عدم حمایت در چنین مقیاس بزرگی، ذهن‌ها را در داخل کشور دریافت‌کننده متمرکز می‌کند و می‌تواند روی سیاست‌هایش تأثیر بگذارد.

ایالات متحده حمایت‌های بسیاری از اسرائیل کرده است که در قالب ۳۱۸ میلیون دلار کمک‌های خارجی در طول سال ۲۰۲۲ بوده و متناسب تورم تنظیم شده است. میزان حمایت‌های آمریکا از اسرائیل از هر کشور دیگری از زمان جنگ جهانی دوم بیشتر بوده است. بنابراین اهرمی که آمریکا برای استفاده در برابر اسرائیل دارد، بسیار بزرگ است. اما هیچ‌وقت هیچ‌کدام از آنها را استفاده نکرده است. حتی زمانی که سیاست‌های اسرائیل خلاف اولویت‌های آمریکا باشد، نتیجه‌شمار یا تنبیهی است که خیلی شدید نیست. مثال آن شامل ساخت تعداد بی‌شماری از شهرک‌های اسرائیلی در مناطق اشغالی و انکس‌های بدون اقدام است. همانطور که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ماه گذشته گفت از آخرین اعلامیه اسرائیل مبنی بر شهرک‌سازی جدید در کرانه باختری می‌آبوس شده است. زمانی که موضوع استفاده از اهرم بالا می‌گیرد معمولاً پاسخی مشابه آنچه ژنرال دیوید پترائوس گفته شنیده می‌شود مبنی بر اینکه آمریکا به امنیت اسرائیل متعهد است و اینکه آمریکا این تعهد را دست‌نالا می‌گیرد و همچنین اسرائیل هم اکنون در «وضعیت مرگ‌و‌زندگی قرار دارد».

در حقیقت اسرائیل روزهایی را که کشوری آسیب‌پذیر در محاصره همسایگانی قوی و خصومت‌آمیز قرار داشت، گذشته است. اسرائیل قوی‌ترین ارتش در خاورمیانه را دارد حتی اگر در سطح متعارف باشد، چه برسد به در نظر گرفتن سلاح‌های هسته‌ای اش. ارتش اسرائیل هرگونه ضعف در تعداد خام نیروها را با فناوری پیشرفته که از هر کشوری در منطقه از آن برخوردار است، جبران می‌کند. به‌رغم لغظاتی‌هایی که مکرراً شنیده می‌شود که به برخی از رژیم‌ها یا گروه‌ها فداکاری فرضی برای نابودی اسرائیل نسبت می‌دهند، هیچ‌کدام از دشمنان اسرائیل توانایی نزدیک شدن به چنین نتیجه‌ای را ندارند. ممکن است کسی استدلال کند که این موقعیت امن اسرائیل تاحدی به لطف تمام کمک‌های آمریکا است و به همین ترتیب دلیلی برای ادامه کمک‌هاست. اما اسرائیل کشوری ثروتمند است. این کشور در میان ۲۰ درصد یا حتی ۱۰ درصد از ثروتمندترین کشورهای جهان قرار دارد، بسته به اینکه چگونه تولید ناخالص داخلی سرانه را اندازه‌گیری کنیم، اسرائیل خود به‌تنهایی می‌تواند هزینه این ارتش قدرتمند را بپردازد. کمک‌های عظیم ایالات متحده یارانه‌ای است که مالیات‌دهندگان آمریکایی به مالیات‌دهندگان اسرائیلی می‌دهند. بنابراین کاهش یا پایان دادن به این کمک‌ها، امنیت اسرائیل را به‌خطر نمی‌اندازد، صرف‌نظر از اینکه آمریکا خود را متعهد به این امنیت می‌داند. اسرائیل آنچه را باید برای برآورده کردن تصور خود از امنیت هزینه خواهد کرد. اما قطع یارانه عظیمی بازگشت آمریکا قطعاً توجه سیاستمداران اسرائیلی را به‌خود جلب می‌کند و در نتیجه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سیاست اسرائیل داشته باشد.

از بسیاری جهات، هزینه کردن و استفاده از نیروهای دفاعی اسرائیل، امنیت این کشور را افزایش نمی‌دهد بلکه برعکس ممکن است آن را کاهش دهد. در سال‌های اخیر، ارتش اسرائیل عمدتاً به پایین نگه داشتن جمعیت مطیع و در نتیجه ناامنی فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی و حمایت از شهرک‌های اسرائیلی مشغول بوده است. این موضوع تأمین امنیت اسرائیل نیست بلکه به‌جای آن متحمل شدن هزینه‌های سرزمین‌های فتح‌شده و حفظ یک اشغال غیرقانونی است. طیف کامل هزینه‌های این استفاده‌های ارتش اسرائیل با حمله مرگبار حماس به جنوب اسرائیل در اکتبر گذشته تقویت شده است. یکی از دلایلی که حماس توانست به‌راحتی پیشرفت کند، این بود که اسرائیل نیروهای خود را از منطقه مورد نظر به کرانه باختری منتقل کرده بود. امروزه هرگونه مهمانی که آمریکا در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد یا به آنها کمک مالی می‌کند، به‌احتمال زیاد برای تخریب بیشتر نوار غزه استفاده می‌شود. این موضوع، علاوه بر پرسش‌های مربوط به اهرم و نفوذ، در مورد همدستی احتمالی آمریکا در جنایات جنگی، مسائل مهمی را نیز مطرح می‌کند. اما برای اهداف فعلی، نکته قابل توجه این است که چون حملات اسرائیل از آنچه می‌توان دفاع در نظر گرفت، فراتر رفته، هر گونه کاهش تأمین ابزارهای حمله توسط آمریکا، کاهش ویرانی در غزه را در پی دارد، نه اینکه امنیت اسرائیل را به‌خطر بیندازد.



یاسمن طاهریان  
خبرنگار گروه بین‌الملل

سه‌شنبه بزرگ، مهم‌ترین شب تقویم انتخابات مقدماتی سال جاری به‌شمار می‌رود. در این روز تکلیف ۸۴۵ نماینده جمهوری خواه در سراسر ۱۵ ایالت و یک منطقه که در واقع یک‌سوم تعداد کل هیئت نمایندگان است، در رقابت نامزدی حزب جمهوری خواه بین دو کاندیدای باقی‌مانده، دونالد ترامپ و نیکی هیلی، به دو دسته تقسیم می‌شوند. طبق گزارش‌ها، ترامپ تاکنون در اکثر ایالت‌هایی که رقابت‌های مقدماتی برگزار شده‌اند، برنده شده و نیکی هیلی قرار است کناره‌گیری خود را از رقابت‌های ریاست‌جمهوری اعلام کند. تنها رقابت نزدیک در ایالت ویرمانت بود؛ جایی که تنها پیروزی هیلی با ۴ واحد درصد بیشتر از ترامپ به‌دست آمد. نزدیکان هیلی به‌سی‌ان‌ان می‌گویند که هیلی قرار نیست از ترامپ حمایت کند بلکه از او می‌خواهد تا حمایت طرفداران هیلی را به‌دست آورد. این اظهارات همچنان فضایی را برای هیلی باقی می‌گذارد تا در صورت لزوم پیش از انتخابات ۲۰۲۴ از ترامپ حمایت کند.

رقابت مقدماتی انتخابات ۲۰۲۴، رسماً از اوایل ژانویه آغاز شد و تا اواسط ماه ژوئن طول می‌کشد. برای اینکه کسی به نامزدی حزب خود برسد باید عملکرد خوبی در رقابت‌های مقدماتی و همچنین حمایت هیئت نمایندگان را داشته باشد. هر نامزدی که حمایت اکثریت هیئت نمایندگان و مجمع‌های انتخاباتی را داشته باشد، نامزد احتمالی خواهد بود و از ۱۵ تا ۱۸ جولای در مجمع ملی جمهوری خواهان در میلوکی انتخاب می‌شود. با اینکه رقابت‌های مقدماتی نزدیک به ۶ ماه طول می‌کشد، بیش از ۷۰ درصد از نمایندگان تا اواخر ماه مارس در نظر گرفته می‌شوند. این به آن معنی است که بیشتر رای‌دهندگان رقابت‌های مقدماتی به‌پای صندوق‌های رای می‌روند بدون آنکه بدانند تحقیقات فدرال و ایالتی درباره فعالیت‌های سیاسی و کسب‌وکار ترامپ چه نتیجه‌ای داشته است.

دادگاه فدرال که ترامپ را به توطئه برای تغییر نتایج انتخابات ۲۰۲۰ متهم کرده بود قرار بود از چهارم مارس، یک روز قبل از سه‌شنبه بزرگ شروع شود. اما از آن زمان به مدت نامعلومی به‌تعلیق افتاده است. [روز دوشنبه دیوان عالی آمریکا حکم دادگاه فدرال را رد کرد و ترامپ را شایسته رقابت ریاست‌جمهوری دانست] ترامپ تا لحظه نگارش این گزارش ۹۹۵ رای به‌دست آورده و برای کسب نامزدی، باید سقف ۱۲۱۵ رای را پر کند. در سراسر انتخابات مقدماتی جمهوری خواهان در سه‌شنبه بزرگ، هیلی فقط توانست ۴۳ رای هیئت نمایندگان جمهوری خواه را به‌دست آورد. با قوی‌تر شدن احتمال پیروزی ترامپ انتظار می‌رود شاهد نمایش دیگری میان جو بایدن و دونالد ترامپ در نوامبر ۲۰۲۴ باشیم.

### صلح‌طلب یا جنگ‌طلب؟

نخبگان سیاست خارجی سال‌ها درباره اینکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا چه شخصیتی دارد، بحث و جدل کرده‌اند. آیا او قلباً یک شاهین است یا یک کبوتر؟ آیا امیدوار است یک نیکسون جدید باشد که می‌تواند به‌رغم لحن گستاخانه، با دشمنان آشتی کند؟ یا شاید یک ریگان جدید، که بر رسیدن به «صلح از طریق قدرت» متمرکز است؟

کانر اکولز، خبرنگار اندیشکده ریسپانسسیبل استیستیکرافت می‌نویسد، من ممکن است این سوال را طور دیگری بپرسم: «چه اهمیتی دارد؟ تحقیقات جدید علوم سیاسی نشان می‌دهد که دیدگاه‌های شخصی ترامپ مهم‌ترین قسمت پازل نیستند. کوتاه بگویم، مشاورانش مهم‌اند، خنگول.»

این ممکن است خرد جمعی به‌نظر برسد اما پیامدهای عمیقی دارد. محققان مجموعه داده‌های بی‌سابقه‌ای را از نشست‌های سیاست خارجی ریاست‌جمهوری در دوران جنگ سرد جمع‌آوری کرده‌اند. با استفاده از روش‌های آماری پیچیده، آنها متوجه شده‌اند که جنگ‌طلبی نسبی مشاوران یک رئیس‌جمهور عامل پیش‌بینی‌کننده خوبی از این است که یک رهبر در مورد دشمنان خود «تصمیم‌های متعارض» می‌گیرد یا نه.

تفاوت‌های آنها می‌تواند فاحش باشد. اگر جنگ‌طلب‌ترین گروه مشاوران رؤسای جمهور را از دوران جنگ سرد کنار هم قرار دهید، این مدل پیش‌بینی می‌کند که انتخابات‌های تهاجمی آنها ۶ برابر گروهی است که گرایش‌های جنگ‌طلبانه کمتری دارند. در طول ریاست‌جمهوری این می‌تواند به معنی صدها حرکت اضافی باشد که منجر به درگیری‌های جدید یا تشدید اختلافات بالا گرفته باشد.

تایلر جوست، استاد دانشگاه براون که یکی از افرادی است که این پروژه را پیش برده، در رابطه با اینکه آیا رؤسای جمهور مسیر جنگ یا صلح را انتخاب می‌کنند؟ می‌گوید: «کسی که کنترل اوضاع را به‌دست گرفته به‌نظر

می‌رسد اثر سیستماتیک بر انتخاب راه‌های جنگ‌طلبانه یا صلح‌طلبانه دارد.»

حالا ترامپ فرصت منحصر به‌فردی دارد. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که جنگ‌طلبی به‌طور غافلگیرکننده‌ای از دولتی به دولتی دیگر استوار باقی می‌ماند. در واقع، بیشتر در داخل دولت‌ها متفاوت است تا بین آنها؛ گواهی آماری بر آنچه «حباب» سیاست خارجی نامیده می‌شود. شاید بیش از هر رئیس‌جمهور در تاریخ اخیر، ترامپ این شانس را دارد تا طرفداران برتری جهانی را کنار بگذارد و حامیان سیاست خارجی خویش‌دانتر آمریکایی را استخدام کند.

در واقع، رئیس‌جمهور پیشین گزینه‌های بسیاری دارد. بیشتر نامزدهای پست‌های دولت جدید ترامپ حالا موافقند که واشنگتن باید با هدف اصلاحات ساختاری واقعی در اروپا و خاورمیانه، تمرکز خود را به سمت آسیا ببرد. جی. دی. وانس، سناتور جمهوری خواه از ایالت اوهایو و یکی از متحان نزدیک ترامپ و همچنین گزینه ارشد معاون ریاست‌جمهوری، ماجراجویی‌های نظامی آمریکا را محکوم کرده، خواستار مذاکره برای توافقی در اوکراین شده و حتی در ماه دسامبر به نفع خروج سربازان آمریکایی از سوریه رای داده است.

اندیشکده‌های جدید از این دیدگاه حمایت کرده‌اند و برخی از حامیان محافظه‌کار قدیمی خود را به‌نسوان طرفداران آینده «اول آمریکا» نشان می‌دهند که می‌خواهند به تشکیل یک دیدگاه متفاوت و پوپولیست‌تر از سیاست خارجی آمریکا کمک کنند. این گروه‌ها مجموعه‌ای از نیروهایی را برای برند جدیدی از سیاست خارجی محافظه‌کار به‌وجود می‌آورند و تبعات سرمایه‌گذاری آنها می‌تواند فراتر از ۲۰۲۴ رود.

### نبرد گذار

بنیاد هریتج از شما می‌خواهد بدانید که تغییر کرده است؛ بنیادی که زمانی خانه اصلی نئوکان‌ها و جنگ‌طلبان بود، حالا گروهی از سیاستمداران محافظه‌کار بانفوذ با صدای بلند از آمریکا می‌خواهند از خاورمیانه و اروپا عقب‌نشینی کنند؛ آن هم در حالی که تمام مدت از ناکافی بودن هزینه‌های نظامی انتقاد می‌کنند.

چرخش بنیاد هریتج بازتابی از تغییرات گسترده‌تر در جنبش محافظه‌کار است که به دوران اول انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ برمی‌گردد. میکا میدوکرافت، مدیر تحقیقات مرکز محافظه‌کار احیای آمریکا و یکی از کارکنان پیشین در دوران کاخ سفید ترامپ می‌گوید: «موضوع سیاست خارجی واقعی ایده «اول آمریکا» را به‌رسمیت می‌شناسد که مشخصه چند دهه گذشته، مجموعه‌ای از اشتباهات بوده است.» میدوکرافت به اندیشکده ریسپانسسیبل استیستیکرافت می‌گوید، طبقه رهبری ما در دورانی که لحظه تک‌قطبی خوانده می‌شود با راه‌اندازی جنگ صلیبی جهانی علیه تروریسم و نادیده گرفتن ظهور چین به‌شدت خراب کرده است.

واقع‌گرایان محافظه‌کار امیدوارند که به‌رسمیت شناختن این تغییر به آمریکا اجازه می‌دهد تا تمام تمرکز خود را روی آمادگی و به امید جلوگیری از جنگی با چین بر سر تایوان باشد. الکس ولز گرین، مشاور پیشین جاش هاولی، سناتور جمهوری خواه از ایالت میزوری می‌گوید: «چین تنها و بزرگترین تهدید برای منافع آمریکا در جهان امروز است و ما مطابق با آن عمل نکرده‌ایم.»

سوال مهم اینجاست که چگونه باید تعادلی بین بازدارندگی و تحریک ایجاد کرد. ولز گرین سنت «صلح از طریق قدرت» را ترسیم می‌کند که به‌وسیله البریج کولبی، یکی از جنگ‌طلبان برجسته علیه چین که به‌نظر به‌دنبال گرفتن نقشی اساسی در دولت جدید ترامپ است، توضیح داده شده؛ در حالی که همه امیدوارند از وقوع جنگ اجتناب شود، دیگر واقع‌گرایان به‌دنبال رویکرد محافظه‌کارانه‌تری در قبال ظهور پکن بوده‌اند.

فارغ از دلایلی که پشت این تغییر گسترده قرار گرفته، محافظه‌کاران سرمایه‌گذاری‌های بزرگی برای شکل دادن به این مسیر کرده‌اند. مؤثرترین تلاش پروژه ۲۰۲۵ هریتج، ابتکاری است که میلیون‌ها دلار جذب کرده تا کارکنان مورد نظر برای دولت دوم ترامپ را شناسایی کند و سیاست‌هایی را برای بازگرداندن آن به کاخ سفید برنامهریزی کند.

برای حامیان سیاست خارجی محدودتر، پروژه ۲۰۲۵ موارد بسیاری دارد. در حالی که هر کدام از برنامه‌های هریتج ملزم به تشکیل خیمه بزرگی از دیدگاه‌های

